

رزمایش بزرگ ارتش امروز آغاز می شود



امیر درباردار حبیب‌الله سیاری، فرمانده رزمایش مشترک ذوالفقار ۹۹ ارتش، گفت: «مراحل اصلی این رزمایش با حضور یگان‌هایی از نیروی دریایی، نیروی هوایی، نیروی پدافند و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ای به وسعت دو میلیون کیلومترمربع در محدوده آب‌های شرق تنگه هرمز، سواحل مکران، دریای عمان و شمال اقیانوس هند تا مدار ۱۰ درجه شمالی برگزار خواهد شد.»

وی با اشاره به اینکه این رزمایش در سه مرحله اشراف اطلاعاتی، تاکتیکی و نمایش قدرت اجرا می‌شود، افزود: «شناورهای سطحی، زیرسطحی، پروازی و بخشی از تجهیزات و تسلیحات موجود در سازمان رزم ارتش در این رزمایش حضور دارند که از مهم‌ترین آنها حضور قدرتمند زیردریایی بومی فاتح است.» فرمانده رزمایش مشترک ذوالفقار ۹۹ ارتش تمرین عملیات هلی‌برن و هجومی آب‌خاکی را برای تصرف سواحل موردنظر و مقابله قاطع با متخاصم را از دیگر تمرینات پیش‌بینی شده در این رزمایش برشمرد.

امیر سیاری با ابراز اینکه همزمان تمرینات آفندی و پدافندی و جمع‌آوری اطلاعات الکترونیکی با بهره‌برداری از سامانه‌های استقراری، تاکتیکی و شناوری اجرا می‌شود، گفت: «در این رزمایش پهباد ایرانی و دوربرد سیم‌رغ علاوه بر مأموریت گشت و شناسایی، در عملیات رزمی و تهاجمی علیه شناورهای دشمن شرکت خواهد کرد و با بمب‌های هوشمند و نقطه‌زن، شناورهای دشمن را مورد اصابت قرار خواهد داد.»

مردم می خواهند اصلاح‌طلبان پاسخگوی عملکرد روحانی باشند

غلامعلی رجایی، مشاور سابق هاشمی‌رفسنجانی و فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگویی اظهار کرد: «در موضوع مدیریت داخلی نیز آقای روحانی می‌توانست عملکرد بهتری داشته باشد. عملکرد روحانی باعث شده امروز اصلاح‌طلبان بین دو لبه چپ‌چی قرار بگیرند. یک لبه شورایی نگهبان است که کاندیدای موردنظر جریان اصلاحات را درصلاصیت می‌کند و لبه دیگر عملکرد دولت روحانی است که منتسب به جریان اصلاحات می‌شود و مردم از اصلاح‌طلبان به‌عنوان حامی این دولت می‌خواهند در مقابل عملکرد دولت پاسخگو باشند.»

او به آرمان ملی گفته است: «روحانی باوجود توفیقاتی که در مدیریت کشور بدون فروش نفت به‌دست آورده اما در عمل موفق نشده مشکلات معیشتی مردم را حل کند که در شرایط کنونی مهم‌ترین مشکل مردم است. سیاست‌های اقتصادی نامناسبی که دولت روحانی در پیش گرفته نته‌تها وجهه دولت اعتدال را تحت‌الشعاع قرار داده؛ بلکه به وجهه اصلاح‌طلبان نیز در بین مردم آسیب زده است.»

او همچنین تأکید می‌کند که اصلاح‌طلبان با توجه به عملکرد دولت، مجلس دهم و شورایی شهر نمی‌توانند کارنامه قابل‌قبولی را درباره عملکرد خود به مردم ارائه کنند و می‌گویند: «دوران «کاندیدای اجاره‌ای» برای اصلاح‌طلبان به پایان رسیده است. جریان اصلاحات در وضعیتی است که باید پایگاه اجتماعی خود را تقویت کند.»

اطلاعیه وزارت کشور درباره

دور دوم تبلیغات انتخابات مجلس

ستاد انتخابات کشور در اطلاعیه‌ای درباره انتخابات دور دوم مجلس شورای اسلامی که در برخی حوزه‌ها برگزار می‌شود، اعلام کرد تبلیغات نامزدها از ۸ صبح پنجشنبه ۲۰ شهریورماه ممنوع است. در این اطلاعیه آمده است: «با عنایت به ماده ۵۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، تبلیغات نامزدهای مرحله دوم انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در حوزه‌های انتخابیه «لنجان»، «سمریم»، «کرج»، «اشتهارد و فردیس»، «دهلران»، «دره‌شهر»، آیدانان و بیدره»، «اهواز»، «بای، حمیدیه و کارون»، «زنگان و طارم»، «بیجار»، «کرمانشاه»، «اسلام‌آباد غرب و دالاهو» و «کردکوی، ترکمن، بندرگز و گمیشان» از ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه مورخ ۲۰-۶-۱۳۹۹ ممنوع می‌باشد؛ لذا از کلیه نامزدهای انتخابات و هواداران شان تقاضا می‌شود از هرگونه فعالیت تبلیغی پرهیز نموده و در زمان حضور در شعب اخذ رأی نیز از همراه داشتن هرگونه آثار یا نماد تبلیغاتی (نظیر: عکس و...) خودداری نمایند.»

زوار ایرانی نمی‌توانند

در مراسم اربعین امسال حضور یابند

ایرج مسجدی، سفیر کشورمان در عراق در حساب کاربری خود در توییتر نوشت: «بسیار متأسفم که امسال به‌دلیل بیماری کرونا زوار ایرانی نمی‌توانند در مراسم اربعین حضور یابند.» وی در ادامه توثیت خود تأکید کرد: «از تمام زوار عزیز عراقی خالصانه می‌خواهم نایب‌الزیاره ملت ایران باشند. صحت و سلامتی و رفح و پیروسی منحوس را از خدای مهربان برای همگان آرزو مند.»



علی جمشیدی
دبیر گروه سیاسی

محرم امسال توفیق شد چند شمی را پای منبر علیرضا پناهیان باشم، در دانشکده افسری امام علی (ع) و مخاطب مستقیم خطابه وی در باب «مواسات» و بعدا نسبت آن با عدالت. من هم مثل دیگری که با موضوعات و چالش‌های سیاسی-اجتماعی کشور به‌ویژه در سطوح رسانه‌ای درگیرند، همان موقع منتقد توضیحات علیرضا پناهیان بودم. پناهیان می‌گفت: «امسال دوستان گفتند نمی‌خواهید درباره عدالت‌گرایی صحبت کنید؟ دوران عدالتخواهی گذشته؛ عدالتخواهی معمولا معطوف به این است که کسی دزدی نکند، آنکه ماشاءالله قوه قضائیه فعال شده آن‌شاءالله دزدها را هم می‌گیرد و بیشتر هم می‌گیرد و دزدی جمع می‌شود از مملکت؛ بالاتر از دزدی، امتحان دیگری داریم که مواسات است.»

در آن یکی دو هفته قشر بزرگی از فعالان رسانه‌ای مدافع عدالت و تلاش برای بسط آن در جامعه بودند و می‌گفتند هم اکنون عدالتخواهی اولویت مهمی است که با هیچ گزاره و مفهومی چه آنکه مفهوم بزرگی چون مواسات باشد، نه کمرنگ شده و نه می‌شود؛ حتی اگر سیدابراهیم ربیسی در قوه قضائیه باشد و علمدار تحول در آن. چرا؟ چون انقلاب ما برای بسط عدالت شکل گرفت و عدالت‌آفند عرصه‌های وسیعی را در برمی‌گیرد که نمی‌توان با چند اقدام قوه قضائیه که البته قابل‌تقدیر است ماجرا را تمام‌شده فرض کرد و آن را کنار گذاشت، مخصوصا با وضعیت سال‌های اخیر و شرایط نابسامان اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی که بخش مهمی از آن نتیجه سوءتدبیرهای نهاد اجرایی کشور است. علاوه بر این، همه تأییداتی که می‌گویند نباید عدالتخواهی را کاریکاتوری در مبارزه با برخی مفاسد و موضوعات اقتصادی خلاصه کرد هم مزید بر علت است و توضیح‌دهنده اینکه اظهارات پناهیان غیردقیق است. البته در جریان سخنرانی‌های شب‌های بعد علیرضا پناهیان تلاش کرد هم توضیحات بیشتر و دقیق‌تری در مورد سخنان خود بدهد و هم بخش‌هایی غیردقیق را تا حدودی با توسل به برخی تکمله‌ها یا حتی جایگزینی با گزاره‌های عدالتخواهانه ترمیم کند.

در دهه اول محرم و چند روز بعد از آن حواشی سخنرانی‌های پناهیان حتما بر اصل موضوعی که او می‌خواست بیان کند غلبه کرد و انتقاداتی که از سخنان او شد آنقدر زیاد بود که فراتر از رفت‌وآمدها و پرسش و پاسخ‌های وی منبر در یک دهه، بخشی از فضای سیاسی اجتماعی کشور را درگیر خود ساخت که البته در جایگاه خود قابل‌تامل و البته پسندیده است، به این معنا که به سخن و نظر هر فردی مخصوصا اگر از تریبون عمومی منتشر شده باشد و صد البته خود صاحب کرسی و منبر باشد می‌توان نقد وارد کرد و اگر این نقد و پاسخ در فضایی منطقی و به دور از حاشیه‌سازی صورت پذیرد حتما بای در تفهیم موضوعات و مسائل جامعه باز شده و توسعه‌گفت‌وگو هم زمینه‌ساز گره‌گشایی از مشکلات و مسائل زیادی در جامعه است. تا اینجا بحث با وجود مکرر شدن برخی که شاید هر دو طرف ماجرا را شامل شود، یعنی به منتقدان و هم شخص علیرضا پناهیان، چندان ایرادی وارد نیست و می‌توان به‌خاطر نتایج مثبت شکل‌گیری یک گفت‌وگو و بحث علمی، از آن صرف‌نظر کرد.

ورود به میدان بی‌اخلاقی

این چالش اما با پایان دهه اول محرم و پایان منبرهای پناهیان در دانشکده افسری امام علی (ع) با موضوع مواسات به‌آخر نرسید و بحث فراتر از چند چالش نظری، به موضوعات دیگری توسعه یافت و برخی که گویی سال‌ها منتظر چنین فرصتی بودند، با فراتر از نقد گذاشته و وارد میدان مواجهه‌ای شدند که واجد حداقل‌هایی از ضوابط اخلاقی و قانونی نبود. وقتی منتقدان علمی و تئوریک پناهیان که پس از دهه اول محرم بحث را تمام‌شده تلقی می‌کردند، عقب‌نشستند، میدان دست کسانی افتاد که هرکدام‌شان به‌نوعی خواسته یا ناخواسته زمین مباحثه منطقی و اخلاقی را کنار گذاشته و به زمینی وارد شدند که بیشتر میدان تسویه‌حساب سیاسی بود.

این افراد که بعدا خواهم گفت حداقل ۳ مشرب سیاسی متفاوتی با هم داشتند، در یک اقدامی که حداقل در ظاهر هماهنگ به‌نظر می‌رسید ابتدا تلاش کردند پناهیان را متهم به انحراف و حتی با عباراتی سیخف و بی‌ادبانه متهم به ساد‌لوحی کنند، سپس تلاش کردند با انتشار اسنادی از خانه و زندگی وی او را به اشرافی‌گری متهم کنند

در نقد و دفاع علیرضا پناهیان به بهانه اظهارات اخیر او

گفت‌وگوی انتقادی آری، ترور شخصیت خیر



که معلوم نیست درست هستند یا غلط تلاش می‌کنند دیگران را متهم کنند. در این خصوص دو فرض وجود دارد؛ اول اینکه این اسناد ساختگی هستند و فاقد صحت که اگر این‌طور باشد مسیر مواجهه قانونی باز است و از آنجایی که در فضای عمومی منتشر شده اثرات متفاوتی پیدا می‌کند و حتی دست‌دستگاه قضایی برای مواجهه و برخورد با آنها بازر می‌شود.

فرض دوم اما این است که اسناد صحت دارند و ساختگی نیستند. در این صورت باید پرسید که چگونه و از کجا این اسناد که مربوط به بایگانی‌های برخی ادارات و حتی سازمان‌ها هستند به‌دست این افراد رسیده و آنها نسبت به انتشار آنها اقدام کرده‌اند. درخصوص این فرض باید گفت که پس اسناد موجود در بایگانی اداراتی چون شهرداری یا سازمان ثبت اسناد یا حتی بالاتر در برخی وزارتخانه‌ها قاعد هرگونه امنیتی هستند و لذا باید نگرانی بیشتری در این خصوص هم داشت.

این توضیح همین‌جا لازم است که این استدلال مانعی برای مبارزه با فساد نیست، اما بدیهی است که هر چیزی راه و مسیر قانونی خود را دارد و نمی‌توان به بهانه افشاکری با آبروی مردم بازی کرد.

چه کسانی میدان‌دار این ماجرا هستند؟

نکته مهمی که شاید در جایگاه خود مهم باشد این است که چه کسانی میدان‌دار این نوع مواجهه با پناهیان بودند.

گروه اول منتقدان سیاسی پناهیان هستند که پیش از این وبه‌واقع پیش از سال ۱۳۹۰ در جبهه‌های نسبتا‌شابه فعال بودند و بعد از ماجراهای دولت دهم از هم جدا شدند. مدافعان رئیس دولت دهم به‌خاطر آن جدایی و اتفاقاتی که بعدا در انتخابات ۹۲ و ۹۶ افتاد منتقد پناهیان هستند و با تمام قوا تلاش می‌کنند او را نقد کنند که البته اینجا تسویه‌حساب سیاسی توصیف بهتری است.

گروه دوم جبهه مقابل پناهیان یعنی اصلاح‌طلبان و حامیان دولت هستند، کسانی که سال‌هاست پناهیان را رقیب سیاسی می‌دانند و از هیچ ابزاری نه امروز که از مدت‌ها پیش برای تخریب او دریغ نکرده‌اند. این رسانه‌ها در این مدت برای دروغ‌پردازی و غارت آبروی پناهیان کم نگذاشتند و هرچه می‌توانستند به او بستند، چه آنکه خیرنگاری که دارای سابقه محکومیت در دادگاه هم هست برای اولین‌بار اسناد یادشده را منتشر کرد. اینها البته همان کسانی هستند که در رسانه‌هایشان بر کوس آزادی بیان و حقوق شهروندی می‌گویند و در مقابل کسی که به‌چشم‌رقیب به‌او می‌نگرند این‌گونه رفتار می‌کنند. گروه سوم عدالتخواهان پروژه‌ای هستند، کسانی که از گذشته به عدالت، نگاه کاریکاتوری داشتند و حالا مدت‌هاست به‌بهانه عدالتخواهی ساختار شکنی می‌کنند و با اقداماتی که خود نام آن را افشاکری گذاشته‌اند می‌خواهند به‌اصطلاح با فساد مبارزه کنند.

آخرالامر اینکه اگر جامعه و فعالان آن دغدغه نوع مواجهه با دیگران را نداشته باشند در آینده هرگز نخواهند توانست از ساخت ارتش‌هایی چون آزادی و حقوق شهروندی دفاع کنند و بالاتر از آن با سرعنی فراتر از آنچه گمانش می‌رود مسائل بنیادینی چون عدالت را هم به مسلخ برده و از اساس نابود خواهد کرد، همه‌گونه‌ای که دیگر کسی توان سخن گفتن از آن را هم نداشته باشد.

با وجود این توضیح اما همه‌ها به پناهیان پایان نیافت و حتی کار به توهین و تخریب خانواده وی نیز کشیده شد، آنقدر که برخی کانال‌های اصلاح‌طلب با هتک حرمت نسبت به او و فرزندش به سیخف‌ترین حالت ممکن اظهارنظر کردند. رفتاری که البته طبعاً باعث شد بسیاری از کسانی که پیش‌تر منتقد تئوریک پناهیان بودند به میدان بیایند و ابراز کنند که اساسا کشاندن یک چالش نظری به وادی بی‌اخلاقی نقض غرضی است که اصل موضوع و ماهیت تلاش برای شکل‌گیری یک گفت‌وگو را زیر سوال می‌برد و نه‌تنها جامعه را از رسیدن به این هدف باز می‌دارد که اثرات جانبی متعددی دارد که حتما در آینده گریبان‌گیر دیگر افراد و عرصه‌ها نیز خواهد شد.

توضیح بیشتر اینکه، افراد و گروه‌هایی که این روزها را بهترین زمان برای حمله به پناهیان یافته‌اند دوضر عمده به جامعه وارد آوردند؛ اول اینکه مسیر بی‌اخلاقی را باز کرده و با این‌را گذاشته‌اند که برای نقد یک فرد می‌توان به زندگی خصوصی او سرک کشید و با ربط دادن مسائل مربوط و نامربوطی به فرد مقابل (که می‌تواند به‌عنوان یک رقیب سیاسی هم انگاشته شود) او را تخریب و حتی زمین‌گیر کرد.

به‌عبارتی برخلاف نظر امام راحل (ره) که حتی به‌ضابطان حکومتی اجازه ورود و سرک کشیدن به محفل خصوصی افراد را نمی‌دهد و صرفا با ضوابط خاصی توصیه به کشف جرم دارد، این افراد بدون اینکه سندی مبتنی بر فساد در محکمه‌ای به اثبات رسیده باشد و حتی بدون اینکه حداقل‌هایی از حقیقت روشن شده باشد تلاش می‌کنند فرد مقابل را تخریب کنند، رفتاری که حتما مورد تأیید نیست و خود می‌تواند به‌عنوان یک جرم شناخته شود.

ضرر دوم این است که این افراد درواقع مسیر و باب گفت‌وگو را در جامعه بسته‌اند، خطای بزرگی که اثراتش حتما از مورد اول بیشتر است و حتی ممکن است در سرنوشت جامعه تأثیرگذار باشد. مسیری که این جریان در چند روز گذشته درمقابل علیرضا پناهیان در پیش گرفته حتما باعث خواهد شد یا جامعه به‌سمت بی‌توجهی به موضوعات فکری و چالش‌های نظری پیش برود و یا افتادن در

ورطه بی‌توجهی و نداشتن دغدغه سرنوشت خود را محتوم ببیند یا اینکه جریانات مختلف را به‌سمت مواجهه رادیکال بکشاند که در آن صورت دیگر سنگ روی سنگ بند نخواهد شد.

نسبت افشاکری با قانون چیست؟

در این خصوص البته باید به یک نکته مهم هم اشاره کرد، اینکه گاهی دیده شده برخی با انتشار اسنادی

و در گام آخر سعی کردند او را متهم به همکاری با مفسدان اقتصادی کنند، (البته کسانی که به‌زعم این افراد مفسد هستند هنوز در هیچ دادگاه و محکمه‌ای حکمی علیه آنها صادر نشده است و حتی پرونده مفتوحی ندارند).

همین‌جا تا کید می‌کنم که به‌خاطر حفظ حرمت علیرضا پناهیان به‌عنوان یک شهروند که از حقوق عادی مانند دیگران برخوردار است و صرف‌نظر از حقی که بر گردن جریان انقلابی دارد و در یکی دو دهه اخیر با فاصله از موثرترین سخنرانان کشور به‌ویژه در جوانان و نوجوانان بوده، از توضیح در اسناد ادعایی و اثبات‌شده‌ای که این روزها درباره زندگی شخصی پناهیان منتشر شده خودداری کرده و صرفا با ذکر چند نکته به روایت کلیات خواهیم پرداخت و حتما اگر روزی اثبات شد که علیرضا پناهیان با وجود اردتی که افراد زیادی از جوانان جریان انقلاب به وی دارند اشتباهی کرده و راه خطایی رفته به‌خاطر رسالت رسانه‌ای از آن خواهم نوشت و به تئویر افکار عمومی کمک خواهم کرد.

پناهیان و اتهامات ناجوانمردانه

فی‌الحال اما این جریان با انتشار اخباری تأیید‌نشده و سندی که معلوم نیست چقدر صحت دارد مدعی اشرافی‌گری علیه پناهیان شد و گفت در منقلبه‌ای که اصطلاحا لاکچری خوانده می‌شود با یکی از فعالان اقتصادی (که البته این جریان وی را قبل از باز شدن هر پرونده‌ای در دادگاه، مفسد می‌خواند) به ساخت‌وساز مشغول بوده و حالا صاحب خانهای شده که چند ده میلیارد ارزش آن است.

خبری که خوراک بسیار مناسبی برای رسانه‌های ضدانقلاب بود تا کل نظام را با آن مورد حمله قرار دهند. این اخبار نهایتاً آنقدر دست‌به‌دست شد و به اصطلاح یک کلاغ چهل کلاغ، که نهایتاً علیرضا پناهیان را مجبور کرد برای دفاع از خود و بیشتر دفاع از جایگاه و کسوتی که در آن قرار داشت، پاسخ دهد. وی در یکی از سخنرانی‌های خود جزئیاتی از زندگی شخصی اش را توضیح داد و شفاف بیان کرد که چگونه بالاجبار با فردی که

صاحب یکی از کارخانه‌های مواد غذایی است برای ساخت منزلی شریک شده و پس از ساخت هم آن را فروخته است. (این ویدئو هم اکنون در فضای مجازی موجود است و برای شنیدن اظهارات کامل علیرضا پناهیان می‌توانید به آن مراجعه کنید) درواقع مشخص شد پناهیان چرو چگونه مجبور به شراکت با این فعال اقتصادی شده و حتی اینکه او ساختمان یادشده را سال‌ها پیش به فروش رسانده است.

افراد و گروه‌هایی که این روزها را بهترین زمان برای حمله به پناهیان یافته‌اند دو ضرر عمده به جامعه وارد آوردند اول اینکه مسیر بی‌اخلاقی را باز کرده و باب این را گذاشته‌اند که برای نقد یک فرد می‌توان به زندگی خصوصی او سرک کشید و با ربط دادن مسائل مربوط و نامربوط به فرد مقابل (که می‌تواند به‌عنوان یک رقیب سیاسی هم انگاشته شود) او را تخریب و حتی زمین‌گیر کرد.

به‌عبارتی برخلاف نظر امام راحل (ره) که حتی به‌ضابطان حکومتی اجازه ورود و سرک کشیدن به محفل خصوصی افراد را نمی‌دهد و صرفا با ضوابط خاصی توصیه به کشف جرم دارد، این افراد بدون اینکه سندی مبتنی بر فساد در محکمه‌ای به اثبات رسیده باشد و حتی بدون اینکه حداقل‌هایی از حقیقت روشن شده باشد تلاش می‌کنند فرد مقابل را تخریب کنند، رفتاری که حتما مورد تأیید نیست و خود می‌تواند به‌عنوان یک جرم شناخته شود.

ضرر دوم این است که این افراد درواقع مسیر و باب گفت‌وگو را در جامعه بسته‌اند، خطای بزرگی که اثراتش زیاد است و حتی ممکن است در سرنوشت جامعه تأثیرگذار باشد

حاج‌کاشانی @HamedKashani_

این روزها میزان تخریب‌ها، خیلی بیشتر از نقد به کلام اوست. هنیئا مرینا
می‌دانم از کسی انتظار ندارد.
آتش که سنگین می‌شود، همه پناه می‌گیرند.
اما
إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا
#پناهیان

nish_goon · 1d · نشگون

جریان تحریف را با مثالی شرح دهید؟

اینکه ازشراکت استاد #پناهیان درساختمانی که فقط واحد(اونم مثل اکثرمراجع بصورت اهدایی) به ایوشن رسیده اونم فروخته تنونسته بخره والان مستاجر، پزنداران و اصلاحاتی‌ها والته. عدالتخواهان راتن و فساد و اشرافیت ایوشن را نتیجه بگیرند یعنی #جریان_تحریف

astaheri · 12h @astaheri

من قطعاً بین #پناهیان و #ایشان سلطانی سمت پناهیان می‌ایستم چون تا امروز یقین دارم پناهیان از خدا می‌ترسه
راستی قولنامه همه خونه‌ها در دسترس همه هست؟ یاشار چطورمی به قولنامه خونه قبلی پناهیان دست پیدا کرده؟ و اینکه قولنامه خونه خودش کجاست؟

ElHam3133333... · 21h @ElHam3133333...

موج تخریب علیه پناهیان معنی ش اینه که میخوان از دلار ۲۰ تومن و پراید ۱۰۰ میلیون تومن وضعیت قرمز بورس و ...حواسها رو به #پناهیان و امثالهم پرت کنن و با خیال راحت به کارهای کنفیوشن ادامه بدن...